

عدالت امانی، با قطع معاشات نسبی آغاز گردید

د افغانستان، از قدیم معمول بوده که وقتی شاه جدیدی بر تخت سلطنت تکیه میزد، به خاطر ابراز خوشحالی و خوشنودی از تخت نشینی شاه محفلی برگزار میشد و در آن یک تعداد از رجال و بزرگان لشکری و کشوری و دوستان و مخلصان و نزدیکان شاه اشتراک میکردند و با بیان سخنان وصف آمیز و امیدوار کننده از شاه نو، محفل را گوارا و رونق می بخشیدند.



در شب دهم حوت 1297 ش، به مناسبت جلوس رسمی شاه امان الله محفلی در ارگ شاهی کابل برگزار شد که در آن تمام رجال ملکی و نظامی و دوستان و همکارانی که او را در قیام علیه کاکایش حمایت و همراهی کرده بودند اشتراک داشتند. در ختم محفل، شاه نطقی کرد و به حاضرین در دربار، مشی حکومت خود را که تحقق عدالت باشد، از مهمترین وظایف یک زمامدار شمرد و توضیح کرد که خدمت به مردم بجز صداقت در اجرای وظایف ناممکن است و همه باید وظایف خود را با کمال صداقت و راستی انجام دهند، زیرا با همه شناخت و دوستی های که با هریکی از حضار دارد، وقتی مساله عدالت در میان باشد، رعایت حال هیچ کسی را نخواهد کرد، اینک سخنان شاه امان الله:

"**عزیزانم عساکر و اهل دربار! مهربان من در دوره های طفلی، شباب و جوانی ام تا امروز بسیار بودند و حال هم بحمدالله تعالی بسیار اند. زیرا وقتی که من بصداقت خدمت کنم، هر فرد افغانستان دوست صدیق من است. و فدائیان من که من فدائی آنها هستم، در این جمعیت اعتماد بیشتر بصورت متقابل موجود است چرا که اتحاد و اتفاق کامل وجود دارد و مرا معتمد اول خود می شناسند.**"

و کسانی از شما که از سنین طفولیت با من رفاقت و خصوصیت دارند، میدانید در نزد من مقام و منزلت ایشان از چه لحاظ بیشتر است. باین معنی که آنها از افکار و خیالات این خدمتگار افغانستان پوره مطلع اند و آرزوهای مرا بیشتر و بیشتر از دیگران در پیش می برند. و این قرابت و صمیمیت مراد از ایفاء خدمت با صداقت به مملکت معظمه اسلامیة افغانستان است که میخواهم ازین خصوصیت ها و قرابت ها برای خدمات وطن مقدس مان افغانستان استفاده کنم. راه راستین همان است که خداوند (ج) فرموده است و برای یک زمامدار بهتر از عدالت کاری نیست.

و بعد ازین ساعت اگر در مراتب رسیمه شما تفاوت های ظاهری بملاحظه برسد، میبوس نباشید. زیرا که بزرگترین مراتب و مناصب بسر رساندن درجات اعتماد است. و شما ملت که زمام مهام مملکت اسلامیة افغانستان را بکف اختیار این خدمتگار سپردید، چون مسئول حقوق خلق الله شناخته شدم فکر و نظر من از قبول این بارگران سلطنت وسعت دیگر پیدا کرد که در آن صورت که اگر کمترین ضعف حرکتی از جانب یکی از همکاران من بظهور برسد لحاظ و مراعات نخواهم

توانست، چرا که قانون شریعت و سلطنت نمی گذارد. و لهذا امور نظامی و ملکی را بهر وسیله نی که صورت اجراء آنرا بهتر سنجیده بتوانم می سپارم.

و چون من یک سرباز فدا کارم، این اعتماد من بهر فرد شما بهترین و عالیترین درجات مناصب نظامی و ملکی است. و از حضرت باری تعالی جلت عظمته التجاء و تمنا دارم که بعمر و صحت هر یک شما برادران صاحب قلم و شمشیر که دست اتحاد خدمت از ساعت اول جلوس سلطنتم داده اید بیفزاید تا مطابق برضاء پاک پروردگار عالمیان جل علی شانہ العزیز و بروفق آرزوی خالصانه من که خدمتگار فدایی دین و وطن شما بودم و هستم، از هر فرد شما این است که برای انجام خدمات با صداقت این وطن مقدس همیشه کمر همت بسته موجبات سرافرازی مرا که بشما اعتماد دارم حاصل نمائید. و کار های عاجلی را که در مرور این هفت شب و روز با یک جدیت فوق العاده انجام داده اید اعتماد و اطمینان مرا و ملت افغانستان را نسبت بخود زیاد تر ساختید. و کسی که در این مرحله حساس بامن دست عهد و همراهی داده است، باور دارم که از ذریت این اشخاص فداکار علامت وفا داری و فداکاری برای ملت و مملکت فخریه نجیبه اسلامیة افغانیه ابراز خواهد گشت. ولذا از بدایت حال این سلطنت بشما برادران هم دست و هم فکر خود مکرر خطاب می کنم که از این ساعات اولین تا روزمرگ بشما همکاران فدایی دولت و وطن اعتماد هر نوع صداقت دارم. و شما عین همین درجه صدق و اخلاص مرا بتمامی افراد پیر و برنای این مملکت اسلامیة افغانیه برسانید و دست دعا ببارگاه حضرت افرید گار دانای توانا بلند دارید تا همه ما و شما در برابر خدمات مرجوعه محوله کامیاب و سرافراز و نیکام باشیم»¹.

قطع معاشات نسبی و جیره طعام از مطبخ شاهی:

دریک جامعه عقب مانده و سنتی که مناسبات خانجانی و روابط قومی و خویشاوندی، ستون پایه های نظام مطلقه سلطنتی را می ساخت، تطبیق عدالت اجتماعی، یکی از مشکل ترین و سخت ترین کارهای بود که رژیم نوپای امانی میخواست دست به تحقق آن بزند. دست زدن به چنین امری بدون تردید، نارضایتی و شکایت بزرگان قومی و رؤسای قبایل را در پی داشت. معهدا حکومت خود را مکلف میدید تا عدالت را فدای مناسبات قومی و قبیلوی نکند، و بخاطر خیر عمومی، در برابر امتیازات عده بی زور آور، بایستد و سعی نماید به مردم بفهماند که در حکومت امانی همگی از حقوق مساوی برخوردار اند و هیچکس را بر دیگری امتیاز نیست. اما فهماندن یک جامعه نا آگاه که تخمین 99 در صد آن بی سواد بودند و از حقوق خود و وجایب حکومت هیچگونه آگاهی نداشتند، کار مشکلی بود.

برای رژیم که در نظر داشت بلا معطلی موضوع استقلال کشور را با ابر قدرت انگلیس مطرح کند و در صورت عدم حصول مرام از راه سیاسی، به جنگ توسل جوید، و آنگاه به حمایت نیروهای قومی سخت نیاز دیده میشد، به نظر میرسید که نمی باید سران قومی و رؤسای قبایل را از خود ناراض کند، با وجود این همه خطرات، امان الله خان نخستین اقدامات انقلابی عدالت خواهانه را از طایفه محمدزائی که سلطنت به آن طایفه منسوب بود، آغاز نمود.

شاه امان الله در راستای عدالت اجتماعی، در هفته های اول بقدرت رسیدن خود، معاشات نسبی خانواده های محمدزائی و همچنان جیره طعام از مطبخ شاهانه به خانه های برخی از سرداران بشمول کاکایش سردار محمد عمر خان را قطع نمود.

مؤلف کتاب سلطنت امان الله شاه، مرحوم پوپلزای مینویسد: «امیر عبدالرحمن خان، برای افراد خاندان محمدزائی که سنین عمرشان از دوازده بیشتر می بود، اعم از زن و مرد در سال سه صد

¹ پوپلزائی، سلطنت امان الله شاه، و حصول استقلال مجدد افغانستان، بخش اول، ص 97

روپیه پخته کابلی معاش نسبی مقرر نمود، ونیز کسانی که در سنه 1295 ق و 1296 ق مصادر خدماتی شده ویا خسارات ملک و مال دیده بودند، از یکنیم هزار روپیه تا سه صد روپیه پخته کابلی در سال موجب مقرر داشتند. واین اصول تا ماه دلو سال 1297 ش معمول بود. در برج حوت سال 1297 ش [مارچ 1919 م] امان الله خان فرمان داد که از تاریخ اول ماه حمل سال 1298 ش معاشات نسبی بصورت عموم قطع گردد. واین قانون جدید از تاریخ شنبه اول حمل 1298 ش [19 جمادی الآخر 1337 ق - 22 مارچ 1919 م] نافذ گردید... در این وقت داد و فریاد از بعض خاندانها بلند شد و عده یی از سرداران عارض شدند که این حقوق برای ما بطور اعزازی منظور نگشته و ما این حق را در بدل خدماتی که کرده ایم مستحق گشته ایم.

اعلیحضرت امان الله شاه فرمود: اسناد تصدیق خدمات حاضر شود. چون اسناد اکثر شخصیت ها و خانواده ها حاضر نگردید، حکم اول انفاذ یافت. و برای عده یی از سرداران که فی الواقع در مراحل مختلف خودشان و پدران شان مصادر خدمات ملکی و نظامی بفتح مملکت افغانستان شده و اسناد دست داشت شان ثابت می کرد، حقوق ملی آنها را از طریق اراضی مکفاتی بعوض مواجب مستمری شان منظور و باعطای زمین زراعتی و باغ معاوضه نمود. میرمحمدعلی خان را وکیل فروش اراضی مقرر فرمود که از طرف پادشاه باشخاص قبالة شرعی بدهد، که البته عده محدودی باین امتیاز نائل گردیدند و از اکثر سلب گردید.²

پوپلزائی می افزاید که «از زمان امیر عبدالرحمن خان برای یک تعداد زیاد خانوار وابستگان بعض سرخیلان ملازمین مقرب که از سمت های دور وارد شده و از مطبخ ارگ طعام طبخ شده جیره می بردند، وبدون آنکه جیره خواران کدام خدمتی به ملت کنند و بمحض خصوصیت خدمت شخصی و شناسایی دوره های سابق یعنی زمان مسافرت امیر عبدالرحمن خان ارتباط پیدا کرده از سالیانی بستنی های طعام از طبخ خانه شاهی اخذ و تناول می نمودند، اعلیحضرت امان الله شاه در بدو جلوس خود قطع فرمود و از روی عدالت اسلامی فرمود: چون هزاران نفر باطراف و اکناف مملکت بفقیر و فاقه در دشت ها و دره ها بسر می برند، بهتر است که ما این مصارف نان و دسترخوان را برای مصارف مکاتب و شفاخانه ها تخصیص بدهیم. چون این حکم نافذ شد خاندان های مفت خور اقوام سرپتی ها سخت آزرده و مایوس شدند و حرف هایی می گفتند. و این نتیجه مفت خوری و آموخته خوری بود.³

این اقدام شاه، این پیام رابه مردم میرساند که شاه طرفدار عدالت است و بخاطر عدالت، پروای نارضایتی اقوام و خانواده سلطنتی را هم نمیکند، پس هیچکسی نباید از شاه توقع لحاظ و مراعات دوستی و قومی و خویشاوندی را داشته باشد. این اقدام شاه واقعاً یک اقدام شجاعانه بود. امان الله خان، با این کار خود که خلاف شرع هم نبود، زبان ده ها هزار مستمری بگیرمفت خواره را به بدگویی علیه خود باز کرد. افزون بر آن، شاه دست یک سلسله اقدامات انقلابی زد که تحسین مردم افغانستان و سایر ملل را بر انگیخت، از جمله میتوان از اقدامات ذیل آن شاه ترقیخواه نام برد:

اولین اقدام انقلابی امان الله خان، قیام برضد کاکایش امیر نصرالله خان بود که توانست ظرف یک هفته وی را مجبور به استعفا از امارت به نفع دولت کابل نماید.

دومین اقدام انقلابی شاه، اعلام استقلال افغانستان در نخستین سخنرانی اش به شهریان کابل و عساکر حاضر در میدان نظامی قصر سلامخانه در روز جمعه، دوم حوت 1297/21 فبروری 1919، و انتشار اعلامیه سلطنت با تعهد به کسب استقلال کشور بود.

²- پوپلزائی، همان اثر، ص 130

³- پوپلزائی، همان اثر، ص 131

سومین اقدام انقلابی شاه، ارسال مکتوب رسمی از جلوس خود بسلطنت افغانستان، به حکومت هند برتانوی و آمادگی برای عقد معاهدات دوستی و احترام متقابل بود.

چهارمین اقدام انقلابی شاه، اعزام هیئات فوق العاده معرفی افغانستان مستقل به جهان و آماده برای عقد قرارداد های دوستی و همکاری های متقابل بطور شفاف بود.

پنجمین اقدام انقلابی شاه، اولتیماتوم به جانب انگلیس بود. او وقتی دریافت که انگلیس ها مکتوب او را جواب نمیدهند، به تاریخ 13 اپریل در ارگ کابل جلسه ای تدویر نمود که در آن دیپلماتان خارجی و بزرگان و مشران ملکی و نظامی کشور بشمول سفیر حکومت هند برتانوی استراک داشتند، در سخنرانی خود گفت: **« من خودم و مملکت خودم را از لحاظ داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل اعلان نمودم . بعد از این کشورما، مانند سایر دول و قدرتهای جهان ، آزاد است و به هیچ نیروی ، به اندازه یک سر موی اجازه داده نمی شود که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله نماید. و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید، گردنش را با این شمشیر خواهم زد.»** و سپس رو بجانب سفیر انگلیس نموده پرسید: **" آنچه گفتیم فهمیدی!"** سفیر انگلیس با احترام جواب داد: **" بلی فهمیدم."**⁴

ششمین اقدام انقلابی شاه امان الله، اعلام جهاد برای استرداد استقلال افغانستان یعنی نبرد با استعمار انگلیس بود که در آن قوای نظامی محدود افغانستان از 3 جبهه (ننگرهار، پکتیا، قندهار) با انگلیسها به جنگ پرداختند. و در نتیجه این جان بازیها و فداکاری ملت افغان، دشمن وادارشد تا به پای میز مذاکرات صلح درراولپندی، بنشیند و سرانجام استقلال افغانستان را برسمیت بشناسد.

بدین سان دیده میشود که اعلیحضرت شاه امان الله خان بعد از جلوس بر تخت کابل، در ظرف شش ماه در تمام عرصه های سیاسی و نظامی، علیه دشمنان خود و مردم افغانستان، پیروز و سرافراز برآمده است.

امان الله خان، در مورد وظیفه سلطان عقیده داشت که:

"هیچ مشقتی جگرخراشتر از زمامداری عمومی یک ملت نیست. زیرا همین یک شخص باید که محنت جمیع مردم را متحمل شود تا چندین صد هزار نفوس، نفس براحت بکشند. و همین یک نفس باید شب و روز در قید اندیشه و غم گرفتار باشد. آسایش او آسایش ملت است. راحت او امنیت ملک و آبادی مملکت است. مسروریت او ترقی و شوکت دولت است."⁵

و بنا برین برای آسایش و ترقی و تعالی مردم افغانستان شب و روز کار میکرد و هیچ شبی قبل از 12 بجه شب از دفتر کار بخانه باز نمیگشت.

گرچه زوداست که من از زبان دیگران در باره نیات و آرزوهای بلند آن شاه مترقی نقل قول کنم، اما تا دیر نشده است باید این سخنان افغانستان شناس امریکائی را که سی -چهل سال بعد از دوره امانی، بیان داشته است، اینجا نقل کنم که چه خوب گفته است:

«امان الله خان یک پادشاه وزمامدار منور بود. توسط یک دسته محدود افغانهای ترقی پسند حمایت میشد. او سعی کرد تا تمام مردم افغانستان را از خواب گران بیدار سازد و از حیطة ارتجاع و محافظه کاری بیرون کشد، و یک راه بهتر حیات را برای همه ایشان وانمود سازد... او میخواست یک ملت قوی، متکی به خود و آزاد داشته باشد، و یک دولت مترقی و معاصر اسلامی را تشکیل دهد. در عهد او خواب هایش درست تعبیر نشد و صدق پیدا نکرد.»⁶

⁴ - دلبلیو ادمک، تاریخ روابط سیاسی افغانستان، ترجمه پوهاند زهما، پشاور ص 8.

⁵ - پوپلزانی، همان اثر، ص 31

⁶ لودویک ادمک، روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیستم، ترجمه پوهاند محمدفاضل صاحب زاده، پشاور، ص 123

یک سند تاریخی، با امضای شاه امان الله برضد فساد اداری

سایت همبستگی، گزارش می‌دهد که: «باز هم سند تاریخی دیگری از دوران پرشکوه امانی به دست آمده که در آن توجه و برخورد جدی امان‌الله خان این شاه عادل و وطن‌دوست را به ماموران خطاکار دورانش می‌توان دید و از آن آموخت.



این سند که در آرشیو ملی افغانستان نگهداری می‌شود، فرمان مورخ ۱۳ قوس ۱۳۰۲ با امضای امان‌الله خان عنوانی وزیر عدلیه است که از او خواسته است تا معاش دوماهه رئیس هیئت تمیز را به خاطر اینکه «علائم غیرحاضری خود را با امضای خویش محو» کرده است کسر و تحویل خزانه نماید.

افغانستان زمانی از فساد و غارتگری وحشتناک پاک خواهد شد که فردی به پاکی و جدیت امان‌الله خان زمام امور را بدست گرفته ابتدا کشور را از سلطه بیگانگان خلاص کند و بعد سیاست‌هایش را بر احساس مسئولیت و دلسوزی در برابر منافع ملی پایه ریزی کند.

(وبسایت همبستگی، مورخ 26/5/2016)

پایان

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درېنت تلسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دلپکني د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ